

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar».

منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچیل «2025-03-10».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

نبوغ ترامپ در برابر روسیه و ایران *Trump's ingenuity vis-à-vis Russia, Iran*



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا فاش کرد که نامه‌ای به آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران ارسال کرده است که در آن پیشنهاد مذاکره درباره موضوع هسته‌ای، واشنگتن، 5 مارس

در طول سه سال گذشته، مسکو ادعا کرد که با تهدیدی وجودی ناشی از جنگ نیابتی به رهبری ایالات متحده در اوکراین مواجه است. اما در شش هفته گذشته، این تصور از تهدید تا حد زیادی از بین رفته است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تلاش قهرمانانه‌ای را برای تغییر وجهه کشورش به چهره‌ای از «دوست» و «دشمن» انجام داده است که مسکو می‌تواند با آن‌ها با وجود انبوهی از بیزارای یا سوء ظن اساسی، با آنها دوست باشد.

هفته گذشته، ترامپ به سوال ایران روی آورد که چه چیزی می‌تواند یک جهش اعتقادی مشابهاً با این دو موقعیت شباهت‌هایی وجود دارد. هم ولادیمیر پوتین،

رئیس جمهور روسیه و هم مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، ناسیونا لیست ها و مدرنیست های اساسی هستند که به سمت غرب گرایی باز هستند. روسیه و ایران هر دو با تحریم های آمریکا روبرو هستند. هر دو به دنبال بازگرداندن تحریم ها هستند که ممکن است فرصت هایی را برای ادغام اقتصادشان با بازار جهانی باز کند.

نخبگان روسی و ایرانی را می توان به عنوان «غرب گرا» توصیف کرد. در طول تاریخ خود، روسیه و ایران هر دو غرب را به عنوان منبع مدرنیته برای «ارتقای» دولت های تمدن خود تجربه کرده اند. در چنین پارادایمی، ترامپ یک چوب در یک دست و یک هویج در دست دیگر گرفته است و بسته به انتخاب خود پیشنهاد آشتی یا تلافی می دهد. آیا این رویکرد عاقلانه ای است؟ آیا اصلاً تنظیم مجدد بدون اجبار امکان پذیر نیست؟

از نظر روسیه، تهدید ایالات متحده اخیراً به طور قابل توجهی کاهش یافته است، زیرا دولت ترامپ به طور واضح استراتژی تعامل با روسیه و عادی سازی روابط را نشان می دهد - حتی چشم انداز یک همکاری اقتصادی دوجانبه سودمند را در نظر گرفته است.

روسیه تاکنون با ترامپ (که حتی روسیه را به تحریم های بیشتر تهدید کرده بود) برخورد کرده است که دستورات او برای آتش بس برای پایان دادن به درگیری در اوکراین باعث ایجاد ناراحتی در ذهن روسیه می شود. با این حال، ترامپ همچنین در را به روی عضویت اوکراین در ناتو بست. به طور کلی هرگونه استقرار نظامی ایالات متحده در اوکراین را رد کرد. روسیه را از مسؤولیت به راه انداختن درگیری در اوکراین مبرا کرد و به جای آن مستقیماً دولت بایدن را مقصر دانست. آشکارا تمایل روسیه برای پایان دادن به درگیری را پذیرفت. و تمایل مسکو برای ورود به مذاکرات را مورد توجه قرار داد - حتی پذیرفت که این درگیری در واقع یک جنگ نیابتی است.

در سطح عملی، ترامپ آمادگی خود را برای بازگرداندن عملکرد عادی سفارت روسیه اعلام کرد. اگر گزارش ها را باور کنیم، دو کشور فعالیت های اطلاعاتی تهاجمی خود در فضای سایبری را متوقف کرده اند.

بار دیگر، در جریان رای گیری اخیر درباره قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد اوکراین، ایالات متحده و روسیه خود را در برابر متحدان اروپایی و اشنگتن دیدند که دست به دست هم دادند. احتمالاً دیپلمات های روسیه و آمریکا در نیویورک حرکت های هماهنگی انجام داده اند.

جای تعجب نیست که در پایتخت های اروپایی و کیف هر اس وجود دارد که واشنگتن و مسکو مستقیماً در تماس هستند و آنها در جریان نیستند. حتی با بالا رفتن سطح آسایش در مسکو، تاریکی در ذهن اروپایی ها تنها در حال غلیظ شدن است، و مظهر سردرگمی و پیش بینی هایی است که در لحظات مهم مبارزه آنها رخنه کرده است. در مجموع، ترامپ

مشروعیت موضع روسیه را حتی قبل از شروع مذاکرات پذیرفته است. آیا تفکری خارج از چارچوب در مورد ایران نیز قابل تصور است؟

از نظر ماهوی، از منظر روسیه، باقی مانده «پایان سست» عبارتند از: **اول**، تغییر رژیم در کیف که ظهور یک همسایه دوست بی طرف را تضمین می کند. **دوم**، رفع تحریم های آمریکا. و **سوم**، گفتگوها در مورد کنترل تسلیحات و خلع سلاح هماهنگ با شرایط کنونی برای تضمین تعادل و ثبات اروپا و جهانی.

در مورد ایران، این روزهای ابتدایی است، اما وضعیت بسیار کمتری حاکم است. درست است، دو کشور برای دهه ها درگیر یک رابطه خصمانه بوده اند. اما می توان آن را کاملاً به دخالت آمریکا در سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ ایران نسبت داد. خصومت متقابل بی وقفه هرگز از نظر تاریخی بدترین نبود.

گروهی از «غرب گرایان» در ایران وجود دارند که ریشه در عادی سازی با آمریکا به عنوان مسیر منتهی به بهبود اقتصادی کشور دارند. البته ما نند روسیه، ابر شاهین ها و دگماتیست ها در ایران نیز منافع در وضعیت موجود دارند. مجتمع نظامی-صنعتی در هر دو کشور صدایی تأثیرگذار است. تفاوت بزرگ امروز این است که محیط خارجی در اوراسیا با تنش های آمریکا و روسیه رشد می کند، در حالی که صف بندی های درون منطقه ای در منطقه خلیج فارس برای تنش زدایی آمریکا و ایران مساعد است. نزدیکی عربستان سعودی و ایران، تداوم و ملایم کردن سیاست مقاومت ایران، کنار گذاشتن گروه های جهادی توسط عربستان سعودی به عنوان ابزار ژئوپلیتیکی و تمرکز مجدد آن بر توسعه و اصلاحات به عنوان استراتژی های ملی - همه این ها باعث شکل گیری هشجاری می شوند که از رویارویی آمریکا و ایران متنفر است.

این دگرگونی تاریخی، استراتژی قدیمی ایالات متحده برای انزوا و «محور» ایران را نسبتاً منسوخ می کند. در همین حال، درک فزاینده ای در خود ایالات متحده وجود دارد که منافع آمریکا در غرب آسیا دیگر با اسرائیل همپوشانی ندارد. ترامپ نمی تواند از آن آگاه نباشد.

به همین ترتیب، توان بازدارندگی ایران امروز یک واقعیت قانع کننده است. با حمله به ایران، ایالات متحده در بهترین حالت می تواند به بهای نابودی اسرائیل یک پیروزی بزرگ به دست آورد. ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود خارج کردن ایالات متحده از باتلاق بعدی را غیرممکن خواهد دید که در واقع ممکن است میراث او را مشخص کند.

مذاکرات آمریکا و روسیه احتمالاً طولانی خواهد شد. با رسیدن به این نقطه، روسیه تمایلی به توقف مناقشه تا زمانی که کنترل کامل منطقه دونباس را به دست نگیرد - و احتمالاً سمت شرقی رودخانه دنیپر (از جمله اودسا، خارکوف و غیره) را ندارد، اما در مورد ایران، زمان رو به اتمام است. زمانی که ساعت شنی خالی می شود و ضرب الاجل

ماه اکتبر برای مکانیسم با زپس گیری برجام 2015 برای اعمال مجد د قطعنامه های سازمان ملل برای "تعليق کلیه فعالیت های بازفرآوری، مرتبط با آب سنگین و غنی سازی" توسط تهران، چیزی باید تا شش ماه دیگر از بین برود.

از ترامپ خواسته می شود تا تصمیمی مهم در مورد ایران بگیرد. اشتباه نکنید، اگر فشار وارد شود، تهران ممکن است به طور کلی از NPT خارج شود. ترامپ روز چهارشنبه گفت که نامه ای به علی خامنه ای، رهبر معظم ایران ارسال کرده و خواستار توافقی برای جایگزینی برجام شده است. او بدون ذکر جزئیات پیشنهاد کرد که این موضوع می تواند به سرعت به درگیری با ایران منجر شود، اما همچنین نشان داد که توافق هسته ای با ایران ممکن است در آینده نزدیک شکل بگیرد.

اواخر روز جمعه، ترامپ در دفتر بیضی شکل به خبرنگاران گفت که ایالات متحده در حال "در آخرین لحظات" مذاکره با ایران است و او امیدوار است که مداخله نظامی غیر ضروری باشد. همانطور که او گفت: «این یک زمان جالب در تاریخ جهان است. اما ما با ایران شرایطی داریم که قرار است خیلی زود اتفاقی بیفتد، خیلی خیلی زود.

فکر می کنم به زودی در مورد آن صحبت خواهید کرد. امیدوارم بتوانیم یک توافق صلح داشته باشیم من از روی قدرت یا ضعف صحبت نمی کنم، فقط می گویم ترجیح می دهم یک توافق صلح را به جای دیگری ببینم. اما دیگری مشکل را حل می کند. ما در لحظات پایانی هستیم ما نمی توانیم به آنها اجازه دهیم سلاح هسته ای داشته باشند.»

ترامپ قصد دارد ایجاد کند، حدس می زنم به زودی در مورد آن صحبت خواهید کرد. امیدوارم بتوانیم یک توافق صلح داشته باشیم. من از روی قدرت یا ضعف صحبت نمی کنم، فقط می گویم ترجیح می دهم یک توافق صلح را به جای دیگری ببینم. اما سود دیگر صلح حاصل از هر گونه عادی سازی با روسیه و ایران، دو ابرقدرت انرژی است که می تواند به پروژه MAGA او شتاب دهد. اما ابتدا باید تار عنکبوت را جارو کرد. افسانه ها و باورهای غلط، تفکر معاصر غرب در مورد روسیه و ایران را شکل داده است. ترامپ نباید گرفتار فوبیای جاه طلبی های «امپریالیستی» روسیه یا برنامه هسته ای «مخفیانه» ایران شود.

اگر اولی روایت اردوگاه نئومحافظه کاران لیبرال-جهانی بود، دومی ساختگی لابی اسرائیل است. هر دو روایتی خودخواهانه هستند. در این فرآیند، تفاوت بین غرب زدگی و مدرنیزاسیون از بین رفت. غرب زدگی پذیرش فرهنگ و جامعه غربی است، در حالی که مدرنیزاسیون توسعه فرهنگ و جامعه خود است. غرب زدگی در بهترین حالت می تواند تنها فرآیند فرعی نوسازی در کشورهایمانند روسیه و ایران باشد.

بنابراین، نبوغ ترامپ در پایان دادن به جنگ های نیابتی آمریکا با روسیه و ایران از طریق ایجاد هم افزایی از شراکت راهبردی روسیه و ایران است. اگر جنگ های نیابتی ایالات متحده، روسیه و ایران را در تاریخ پرتلاطم شان به عنوان متحدان اخیر بیش از همیشه به یکدیگر نزدیک کرده است، منافع مشترک امروز آنها نیز در زیرکی ترامپ برای کمک گرفتن از پوتین برای عادی سازی روابط ایران و آمریکا است. اگر کسی بتواند چنین ترفند طناب زنی جسورانه و جادویی را انجام دهد، این تنها ترامپ است که می تواند، این را به اشتراک بگذارد:

----- **با تقدیم احترام «2025-03-10»**

